

**نویسنده:** جیک وارنر «Jacke Werner».  
**منبع و تاریخ نشر:** ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-06=09».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



## آیا ترامپ توافق یا اختلاف با چین را انتخاب خواهد کرد؟

### *Will Trump choose deal or discord with China?*

رئیس جمهور سرانجام با شی جین پینگ تماس تلفنی برقرار کرد و قرار است امروز جلسه‌ای برای حل و فصل مسائل با مقامات ارشد در لندن برگزار شود.

*The president finally had his call with Xi Jinping , and a meeting is set today to hash things out with top officials in London.*

\*\*\*\*\*

هفته گذشته، رئیس جمهور ترامپ بالاخره با شی جین پینگ تماس تلفنی برقرار کرد که گفته می‌شود «وسواس» تنظیم آن را داشت. امروز قرار است مقامات ارشد تجارت، خزانه داری و بازرگانی ترامپ با هیئتی از چین به رهبری معاون نخست وزیر، **هی لیفنگ**، در مکانی نامعلوم در لندن برای مذاکره دیدار کنند.

این پس از یک هفته از اظهارات ترامپ مبنی بر از بین بردن روابط حیاتی با چین که اخیراً پس از یک ماه نگران‌کننده جنگ اقتصادی رو به وخامت، بهبود یافته بود، آغاز شد. این اظهارات زمانی آغاز شد که ترامپ بدون هشدار قبلی نوشت که **چین** «کاملاً توافق خود با ما را نقض کرده است». سپس ساعت ۲ بامداد روز قبل از تماس، نوشت که **شی** «بسیار سرسخت و معامله با او فوق‌العاده دشوار است!!!»

برداشت ترامپ از تماس اش با **شی** بسیار خوش‌بینانه بود و حاکی از پیشرفت در حل اختلافات اخیر و وعده دیدار دیگری با مذاکره‌کنندگان تجاری از هر دو طرف و همچنین سفری در آینده به **چین** بود. در مقابل، گزارش‌های چینی‌ها نشان داد که بین بست اساسی در مذاکرات تجاری حل نشده است، اما همچنین با دلگرمی در مورد احیای مذاکرات صحبت کرد.

از این آشفتگی چه برداشتی باید کرد؟ آیا ما در آستانه یک پیشرفت دیپلماتیک هستیم یا در آستانه بحران قدرت‌های بزرگ که چند هفته پیش تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید؟ همان‌طور که اغلب در مورد ترامپ اتفاق می‌افتد، هر دو حالت افراطی یک احتمال واقعی است.

**ترامپ** نسبت به **بایدن**، بیشتر پذیرای توافق واقعی با **چین** است و نشان داده است که در صورت لزوم حاضر به عقب‌نشینی است. رفتار چینی که ترامپ آن را محکوم می‌کند، به نظر می‌رسد پاسخی به اقدامات جداگانه ایالات متحده است که می‌تواند معکوس شود. انباشت سریع اقدامات تهاجمی ضد چینی در هفته‌های اخیر ممکن است بیشتر ناشی از جستجوی ترامپ برای اهرم فشار در مذاکرات باشد تا تعهد تغییرناپذیر به رویارویی.

با این حال، دو کشور قدرتمند جهان با آتش‌بازی می‌کنند. تقریباً یک دهه خصومت شدید متقابل، فشارهای جهانی حاصل جمع صفر را که در وهله اول باعث شکاف در روابط شد، به طور قابل توجهی تشدید کرده است. هر دو طرف با پشتکار زیرساخت‌های نهادی و ایدئولوژیکی را برای حفظ خشونت قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده‌اند.

سوال کلیدی این است که آیا ترامپ می‌تواند از سبک مذاکره سلطه‌جویانه خود فاصله بگیرد و یا احتمالات اساسی که چین قبلاً پیشنهاد داده است را دنبال کند یا دستور کار متفاوتی ارائه دهد. در غیر این صورت، نقاط اشتعال فزاینده در حوزه‌های اقتصادی و نظامی ممکن است به زودی ایالات متحده و **چین** را به لبه پرتگاه بفرستد. در ماه آوریل، ترامپ با تبدیل جنگ تجاری "روز آزادی" خود علیه کل جهان به یک حمله تعرفه‌ای متمرکز بر **چین**، خطر چنین گسست دائمی با **چین** را به جان خرید. با افزایش نرخ تعرفه‌ها در هر دو طرف از ۱۰۰ درصد، روابط اقتصادی بین دو اقتصاد بزرگ جهان عملاً یک شبه قطع شد. هدف دولت ترامپ برای اعمال اقدامات انحصاری علیه **چین** بر کشورهای ثالث، حس محاصره طرف چینی را به طرز چشمگیری تشدید کرد.

هفته‌ها مشاجره ادامه یافت، که در آن ترامپ بارها اصرار داشت که **شی** می‌خواهد تنش زدایی کند اما ابتدا باید با او تماس بگیرد. او تلویحاً گفت که **چین** قبلاً در سطوح پایین‌تر تماس گرفته است، اما چین دائماً پاسخ می‌داد که چنین ارتباطی در جریان نیست. بازارهای مالی جهان متزلزل شدند و جریان‌های تجاری جهانی دچار آشفتگی شدند.

علیرغم شخصیت‌های تندخو در هر دو طرف، دو کشور به نحوی راه خود را برای خروج آبرومندانه از این بن‌بست پیدا کردند. در ۱۲ مه، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری و جیمسون گریر، نماینده تجاری، با هه لی‌فنگ، مقام ارشد اقتصادی **شی**، در ژنو برای گفتگوهای طولانی دیدار کردند. توافق موفقیت‌آمیز آنها فراتر از انتظار ناظران بود، به طور موقت هجوم تعرفه‌ها را معکوس کرد و وضعیت را به قبل از روز آزادسازی بازگرداند، به جز یک نرخ ۱۰ درصدی اضافه برای هر دو طرف. نکته قابل توجه این است که این افزایش ۱۰ درصدی با حداقل افزایش ترامپ برای همه کشورها مطابقت دارد، بنابراین چین را به طور خاص در بر نمی‌گیرد.

این توافق شامل دو ماده حیاتی اضافی بود. ایالات متحده با ساختاری برای مذاکرات موافقت کرد که چین ماه‌ها به دنبال آن بود. چین موافقت کرد که صادرات عناصر خاکی کمیاب را که در اقدامات تلافی‌جویانه خود مسدود کرده بود، مجاز کند و این امر مقامات ارشد ایالات متحده را نگران کرد.

به نظر می‌رسید آتش‌بس غافلگیرکننده ۱۲ مه، مسیری را برای کاهش تنش‌ها و شاید حتی رسیدن به یک توافق دیپلماتیک معنادار ایجاد کند. ۱۳ مه این امیدها را از بین برد.

در آن روز، وزارت بازرگانی ترامپ دستورالعمل جدیدی صادر کرد و هشدار داد که هر کسی که از نیمه‌های پیشرفته طراحی شده توسط هواوی در هر کجا استفاده کند، احتمالاً کنترل‌های صادراتی ایالات متحده رانقض کرده و در نتیجه با خطر «مجازات‌های کیفری و اداری قابل توجه، از جمله حبس، جریمه، از دست دادن امتیازات صادراتی یا سایر محدودیت‌ها» مواجه خواهد شد. این دستورالعمل از محاصره فناوری پیشرفته محاسباتی توسط دولت **بایدن** استفاده می‌کند، اما به طور خلاقانه‌ای محدودیت‌های صادراتی را به سلاحی تهاجمی در زرادخانه جنگ اقتصادی تبدیل می‌کند.

این دستورالعمل که به دنبال ایجاد وحشت در مشتریان هواوی به منظور خفه کردن تقاضا برای محصولات این شرکت است، بر اساس اقدامات قبلی در دوران **ترامپ** و **بایدن** با هدف سرنگونی موفق‌ترین شرکت چند ملیتی **چین** بنا شده است. وزارت بازرگانی از زمان روی کار آمدن ترامپ، مجموعه‌ای از محدودیت‌های جدید اضافی را در مورد دسترسی چین به فناوری وضع کرده است، از جمله گسترش قابل توجه شرکت‌های چینی که توسط فهرست نهادهای این وزارتخانه محدود شده‌اند، قطع دسترسی به تراشه‌های کامپیوتری که قبلاً مجاز به استفاده در بخش هوش مصنوعی **چین** بودند، و ممنوعیت

فروش محصولات و فناوری‌های مورد استفاده توسط شرکت‌های هواپیما سازی و تراشه‌های کامپیوتری چین.

چنین اقداماتی نشان دهنده تداوم کمپین رو به گسترش دولت بایدن برای نگه داشتن چین در موقعیت وابستگی دائمی به فناوری است. اما دولت ترامپ همچنین جبهه‌های جدیدی را علیه چین باز می‌کند. برجسته‌ترین آنها، مارکو رובیو، وزیر امور خارجه، هفته گذشته اعلام کرد که دولت "به شدت ویزاهای دانشجویان چینی را لغو خواهد کرد" و این تئوری توطئه را که مردم چین به دلیل ملیت خود یک تهدید امنیت ملی هستند، پذیرفت.

چگونه باید این اقدامات را تفسیر کنیم؟ از یک سو، احتمال جدایی دائمی دولت ترامپ از چین بسیار واقعی است. بدنام کردن چین زمینه مشترکی را در حزب جمهوری خواه که در غیر این صورت متمرکز است و به ویژه در میان پرسنل کلیدی دولت ترامپ فراهم می‌کند. هدف انگیزشی آنها هرچه که باشد - چه صنعتی سازی مجدد داخلی، کاهش کسری تجاری، ایجاد زنجیره‌های تأمین «مستقل»، حفظ سود شرکت‌ها، آسیب رساندن به دانشگاه‌های نخبه، تسلط بر نیمکره غربی، تمرکز قدرت ژئوپلیتیکی آمریکا بر آسیا، یا جستجوی «همبستگی اجتماعی» با بیرون راندن عناصر خارجی از ایالات متحده - طرد چین یک اصل سازماندهی و هدف سیاست‌گذاری است. از سوی دیگر، یکی از الگوهای همیشگی ترامپ، افزایش فشار مذاکره با حمله به حساس‌ترین نگرانی‌های همتای خود است. او نشان داده است که مایل است برای دستیابی به معامله، مسیر خود را در مورد چنین اقداماتی - حتی زمانی که مشاورانش ممکن است برای رویارویی بیشتر استدلال کنند - تغییر دهد. دلیلی وجود دارد که اقدامات اخیر ضد چینی را در این راستا تفسیر کند.

برای مثال، طبق گزارش‌ها، طرح وزارت بازرگانی برای ممنوعیت تراشه H20 انویدیا پس از آنکه جنسن هوانگ، مدیر عامل این شرکت، یک میلیون دلار برای شرکت در شام با ترامپ پرداخت کرد، متوقف شد. در روزی که ترامپ روز آزادی را به تعویق انداخت و تمام تجاوزات خود را علیه چین هدایت کرد، به انویدیا اطلاع داده شد که این ممنوعیت بالاخره اجرا خواهد شد.

به همین ترتیب، طرح اخراج دانشجویان چینی با عجله و ظاهراً بدون هیچ‌گونه آمادگی عملیاتی اعلام شد - درست زمانی که ناامیدی ترامپ در مورد عناصر خاکی کمیاب و عدم تماس شی جین پینگ با او به نقطه شکست رسیده بود. ترامپ در تماس خود با شی جین پینگ و در اظهارات بعدی، درباره دانشجویان چینی در ایالات متحده مثبت صحبت کرد.

اکنون که چین کشف کرده است که محدودیت‌های عناصر خاکی کمیاب چه منبع قدرتمندی برای اهرم فشار هستند، بعید است که این موضوع را واگذار کند مگر اینکه ترامپ اقدامات تهاجمی وزارت بازرگانی خود را مهار کند. با این حال، حتی اگر ایالات متحده چنین امتیازی بدهد، تهدیدات دیگری برای دیپلمات‌های بر سر این رابطه

سایه افکنده است. اقدامات ایالات متحده برای قطع ارتباط **چین** با شرکای اقتصادی خود و موضع تقابلی پنتاگون در آسیا به ویژه شوم است. همراه با تمایل **ترامپ** به استفاده از مذاکرات برای نمایش سلطه خود - که تضمینی برای دور کردن **چین** است - شرایط برای روابط پایدار قدرت‌های بزرگ تاریک است. اما اگر **ترامپ** اصرار داشته باشد که مشاوران جنگ‌طلبش انرژی خود را به جای سوق دادن دو کشور به سمت درگیری آشکار، به سمت پیشبرد یک معامله سخت هدایت کنند، ایالات متحده و **چین** ممکن است از مسیر خصومت متقابل مخرب خارج شوند.

## **سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :**

### **جیک ورنر**

جیک ورنر مدیر برنامه شرق آسیا در موسسه کوئینسی است. پیش از این، جیک محقق پسادکترای چین جهانی در مرکز سیاست توسعه جهانی دانشگاه بوستون، محقق هارپر-اشمیت در دانشگاه شیکاگو، محقق فولبرایت در دانشگاه ملی چیا ئو تونگ در تایوان و محقق فولبرایت-هیز در دانشگاه نر مال شرق چین در شانگهای بود. او دکترای خود را در رشته تاریخ از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد.

----- **با تقدیم احترامات «2025-06-13»**